

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروش میوه جات بر سر درختان

(ترجمه)



پرسش:

دانشمند عالی قدر و امیر صاحب گرامی، السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

فروختن محصولات قبل از حاصل برداری آن روی درخت در سرزمین ما رایج است. این نوع محصولات؛ مانند: گل میخک، مرچ، نارپال و غیره به همین شکل فروخته می شوند. مالک زمین آن را کشت و آبیاری می کند تا ثمر بیشتر دهند. زمانی که میوه طبق همان پلان حاصل می دهد، آن را با قیمت تخمینی به فروش می رساند. بناً خریدار باید از آن حاصل برداشته و معامله مناسب نماید و خریدار به مالک زمین قبل از حاصل گرفتن قیمت توافق شده را می پردازد. زمانی که فروش صورت می گیرد، قیمت بین خریدار و فروشنده موافقت می گردد و فروشنده بعد از فروش آن دیگر مسوول محصول نهایی نیست، خریدار می تواند همان وقت حاصل برداری نماید و یا آن را به وقت مناسب آن واگذار نماید؛ اما بعد از معامله مسوولیت خریدار است تا مزرعه را از حیوانات، سارقین و غیره محافظت نماید. آیا این نوع معامله در اسلام جایز است؟ الله سبحانه و تعالی شما را خیر کثیر نصیب گرداند و به این امت پیروزی را تحت رهبری شما نصیب گرداند.

پاسخ:

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته!

از متن فوق چنین درک کردم که پرسش شما در مورد فروش میوه بر سر درخت است؛ مثلاً شخصی به مالک درخت چنین بگوید که می خواهم میوه و حاصل این درخت انجیر را در این فصل بخرم و حاصل این درخت ملکیت من می شود، از آن می خورم و می فروشم تا آن که حاصل این درخت در این فصل تمام شود، و هر دو بر این امر در مقابل اجره ی معین اتفاق کنند. شما می پرسید که آیا این کار جایز است یا خیر؟ اگر درک من درست باشد؛ پس این پاسخ را برایت ارایه می کنم:

بلی! این معامله در بسیاری از سرزمین های اسلامی رایج است و در فقه به نام "فروش میوه جات بر سر درختان" و در نزد عام مردم به نام "پیمان و معامله درخت" یاد می شود. این جایز است؛ اما به شرطی که میوه پخته و رسیده باشد؛ البته لازم نیست که تمامش رسیده باشد؛ چون تمامش در یک زمان نمی رسد. بعضی دلایل و تفصیلات را از کتاب مان "شخصیت اسلامی، جزء دوم باب فروش میوه جات بر سر درختان" را برایت نقل می کنم:

بیان حکم شرعی در این پیمان یعنی فروش میوه موجود در شاخ درخت که هنوز میوه در شاخ درخت باشد، نیاز به تفصیل دارد؛ چون در این پیمان به میوه و حاصل دیده می شود، اگر پخته و رسیده باشد؛ یعنی خوردنش ممکن بود؛ پس این معامله جایز است و اگر نرسیده بود (پخته نشده بود) و خوردن آن ناممکن بود، درین صورت فروش میوه جایز نیست؛ چون مسلم از جابر رضی الله عنه روایت کرده است که:

«نهی رسول الله عن بیع الثمر حتی یطیب»

ترجمه: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم از فروش میوه ی تا زمانی که پخته نشده است، منع فرمود.

و نیز روایت کرده است:

«نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم... وعن بیع الثمر حتی یبدو صلاحه»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از... و فروش میوه تا این که برسد منع نموده است.

و چنان چه بخاری از جابر رضی الله عنه روایت نموده است:

«نهی النبی عن أن تباع الثمرة حتی تشقح، قیل ما تشقح، قال: تحمار وتصفار ویؤکل منها»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروش میوه پیش از آن که رنگ بگیرد منع فرموده است؛ پرسیدند، رنگ گرفتن چیست؟ فرمود: سرخ زرد می گردد و قابلیت خوردن رامی داشته باشد.

و نیز بخاری از انس ابن مالک روایت نموده است:

«أنه نهی عن بیع الثمرة حتی یبدو صلاحها، وعن النخل حتی یزهو، قیل: وما یزهو؟ قال: یحمار أو یصفار»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروش میوه ای که نرسیده باشد منع فرموده است و از خرما تا این که رنگ نگیرد. پرسیدند: رنگ گرفتن چیست؟ فرمود: سرخ می شود یا زرد می گردد.

وی نیز روایت نموده است:

«إن رسول الله نهی عن بیع الثمار حتی تُزهی، فقیل له: وما تُزهی؟ قال: حتی تحمر. فقال رسول الله: أرأیت إذا منع الله الثمرة بم يأخذ أحدکم مال أخیه»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروش میوه پیش از آن که رنگ بگیرد منع فرموده است. پرسیدند رنگ گرفتن چیست؟ فرمود: رنگش سرخ گردد و رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز فرمود: چه فکر می کنید اگر الله سبحانه و تعالی میوه را ببار نیآورد آنگاه شما مال برادران را در مقابل چه چیز می گیرید.

و چنان چه بخاری از عبد الله ابن عمر روایت نموده است:

«نهی عن بیع الثمار حتی یبدو صلاحها، نهی البائع والمبتاع»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروش میوه جات قبل از این که برسد، خریدار و فروشنده، هر دو را نهی کرده است.

و مسلم به این الفاظ روایت نموده است:

«نهی عن بیع النخل حتی یزهو، وعن السنبل حتی یبيض ویأمن العاهة»

ترجمه: از فروش خرما نهی کرد؛ مگر آنگاه که برسد و از فروش خوشه نهی کرد؛ مگر آنکه سفید شود و از آفت اطمینان حاصل گردد.

تمام این احادیث منع "فروش میوه جات نارسیده" را صریحاً بیان می دارد. بناً از مدلول این احادیث بر عدم جواز فروش میوه جات نارسیده (خام) و از مفهوم آن بر جواز فروش میوه جات رسیده (پخته شده) استدلال می شود. بنابراین، پیمان و معامله درخت که میوه آن ظاهر شده بود؛ مانند زیتون، لیمو، خرما و... اگر قابل خوردن شده بود درست است و اگر قابل خوردن نشده بود درست نیست.

از احادیث فوق این موضوع دانسته می شود که هدف از رسیدن و پخته گی میوه "قابل خوردن بودن میوه" می باشد؛ زیرا از تحقیق و پژوهش احادیث وارد شده در موضوع نهی فروش میوه نارسیده در می یابیم که درین باره تفسیرهای مختلف بیان شده است: در حدیث جابر رضی الله عنه چنین بیان گردیده است: «تا زمانی که پخته نشده است»، در حدیث دومی: «پیش از آن که برسند» و در حدیث انس رضی الله عنه چنین بیان شده است: «از فروش انگور پیش از آن که سیاه گردد و هم چنان از فروش حبوبات پیش از آن که سخت گردد، منع نموده است.» (رواه ابو داود)

و در حدیث دیگری که جابر رضی الله عنه روایت نموده است چنین بیان شده است: «رنگ بگیرد» و در حدیث ابن عباس: «تا این که قابل خوردن شود» بنابراین، تمام احادیث مذکور معنی واحد را افاده می کند و آن عبارت از "قابلیت خوردن را داشته باشد" است.

اگر به واقعیت میوه جات دقت کنیم، در می یابیم که قابلیت خوردن در آن ها نظر به مختلف بودن میوه جات، از هم متفاوت می باشد؛ چنان چه در برخی از میوه جات با تغییر آشکارا در رنگش قابلیت خوردن پیدا شده و علامات پخته شدنش ظاهر می گردد؛ مانند: خرما، انجیر، انگور، ناک و امثال آن. و برخی از آن پخته شدنش توسط پشت و رو کردنش و دیدنش توسط ماهرین دانسته می شود؛ مانند خربوزه که درک پخته شدن آن از تغییر رنگش مشکل است، و برخی از آن به مجرد تبدیل شدن گلش به میوه قابل خوردن می شود؛ مانند بادرنگ، تره و امثال آن. بنابراین، هدف از رسیدن و پخته گی در میوه، همانا قابلیت اش برای خوردن می باشد و دلیل بر این حدیثی است که مسلم از عباس روایت می کند:

«نهی رسول الله عن بیع النخل حتی یأکل منه أو یؤکل»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروش خرما منع کرد؛ مگر هنگامی که قابلیت خوردن را داشته باشد.

هم چنان حدیث متفق علیه که جابر رضی الله عنه روایت نموده است که: «حتی یطیب» ترجمه: «تا زمانی که پخته نشده است.» ازین رو جایز بودن فروش تره و بادرنگ و امثال آن واضح می گردد؛ یعنی خرید و فروش آن (تره و بادرنگ) به مجرد ظهور حاصل؛ یعنی به مجرد آغاز تبدیل شدن گل به بادرنگ جایز می باشد. لذا در حالی که هنوز [برخی از آن] گل هست و حتی قبل از آن که گل شده باشد میوه اش فروخته می شود. یعنی میوه آن مزرعه در همین حالت قبل از آن که پیدا شود به مجرد آغاز پیداشدن برخی از آن فروخته می شود و این از قبیل بیع معدوم نمی باشد؛ زیرا میوه آن پیاپی می آید

و یک بار همه اش به وجود نمی آید؛ لذا همه میوه مزرعه در یک فصلش، آن چه موجود باشد و آن چه هنوز موجود نباشد، همه فروخته می شود؛ زیرا فرقی وجود ندارد میان آن که پخته گی میوه اش با سرخ شدن ظاهر شود؛ مانند خرما یا با سیاه شدن؛ مانند انگور و یا با تغییر رنگ مثل ناک و میان آن که پخته گی میوه آن با ظهور بعضش و در پی آمدن گل های دیگرش و میوه دادن آن ظاهر گردد.

لیکن میوه ای که تبدیل شدن گل هایش رسیده بودن آن شمرده نمی شود؛ مانند خربوزه، در آن این امر جایز نمی باشد. بنأ فروختن بادام در گلش و فروختن انجیر که هنوز دم بوده پخته گی در آن ظاهر نشده باشد جایز نیست. هدف در این جا فروش آن بر سر درخت است؛ یعنی معامله درخت؛ زیرا تنها فروش میوه بر سر درخت مشروط به پخته گی آن؛ یعنی به آن چه که به پخته شدن میوه دلالت کند می باشد و مراد از پخته گی میوه، پخته شدن همه میوه های یک درخت نیست؛ زیرا این غیر ممکن است؛ چون میوه ها دانه دانه و یا چند چند دانه پخته می شوند؛ سپس باقی به تدریج پخته می گردند و نیز مراد از پخته شدن میوه، پخته شدن آن در هر باغ جدا جدا نیست و نه هم پخته شدن میوه ی همه باغ ها؛ بلکه مراد از پخته شدن آن، پخته شدن جنس میوه است؛ اگر انواعش در پختن با هم تفاوت داشتند؛ مانند زیتون و پخته شدن نوع آن مراد می باشد؛ اگر انواعش در پختن باهم تفاوت داشتند؛ مانند انجیر و انگور، مثلاً هرگاه برخی از میوه درخت خرما در یکی از باغ ها پخته شود، آنگاه خرید و فروش میوه همه درختان خرما در همه باغ ها جایز می باشد. هر گاه نوعی از سیب در برخی از درختانش پخته گردد، آنگاه فروختن آن نوع سیب در تمام باغها جایز می گردد، و هرگاه زیتون در درختک ها برسد، خرید و فروش زیتون در تمام باغ های آن جایز می شود؛ چون در احادیث فوق چنین ذکر گردیده بود:

ترجمه: از فروش خرما نهی کرد؛ مگر آنگاه که برسد و از فروش خوشه نهی کرد؛ مگر آن که سفید شود و از آفت اطمینان حاصل گردد.

و در حدیث دومی:

ترجمه: از فروش انگور پیش از آن که سیاه گردد و هم چنان از فروش حبوبات پیش از آن که سخت گردد، منع نموده است.

پس حکم میوه هر جنس و هر نوع را جدا جدا و مشخص بیان کرد؛ چنان چه در حبوبات (سخت شود) و در انگور سیاه (سیاه شود) گفته است. لذا حکم پخته شدن هر جنس-قطع نظر از سایر اجناس- و هر نوع، بدون در نظر داشت باقی انواع مختلف است و کلمه رسیدن (پخته شدن) که در حدیث در باره یک جنس و در باره یک نوع وارد شده بر برخی از میوه هر قدر که کم هم باشد صدق می کند. علاوه بر این، واقعیت میوه دال بر آنست که به تدریج پخته می شود. از آن چه گذشت واضح می گردد که معامله هیچ درختی یعنی فروش میوه ی هیچ درختی قبل از رسیدن؛ یعنی قبل از پخته شدن میوه اش جایز نمی باشد. آرزو مندم که پاسخ واضح بوده باشد.

برادر تان عطاء بن خلیل ابورشته

۱۷ جمادی الاول ۱۴۳۸ هـ.ق

۴ فبروری ۲۰۱۷ م